

بررسی تحلیلی

صنعت نساجی در روستاهای آذربایجان شرقی

دکتر حسین آسایش

اولین موضوعی که در بررسی صنایع نساجی روستائی آذربایجان شرقی به چشم میخورد اهمیت و عمومیت صنعت قالیبافی در این منطقه است که در حدود ۳۷۸۴۶ کارگاه قالیبافی در دهات و قصبات این منطقه پراکنده است و متجاوز از ۵۸۴۲۹ نفر بکار بافندگی در این کارگاهها مشغولند^۱. بهمین مناسبت امر و زقالیبافی یکی از مهمترین منابع اشتغال و ارتزاق جامعه روستائی این ناحیه است و ارزش محصولات تولید شده این صنعت تنها در منطقه روستائی این استان در حدود ۱۱۲ میلیون ریال در سال ۱۳۴۹ برآورد شده است. بطور کلی میتوان گفت در وضع فعلی که تکنیک جدید کشاورزی تعداد قابل توجهی از روستائیان را باشتاب زیاد از فعالیتهای کشاورزی میراند، قالیبافی از جمله مشاغل اضطراری است که بعلت افزایش جمعیت بیکار و ماشینی شدن کشاورزی و عدم وجود منبع درآمد سود بخش تری توسعه مییابد و بی شک ایجاد صنایع جدید و رشد اقتصادی کشور بتدریج از رونق و اهمیت این صنعت خواهد کاست و این وضع از هم اکنون با افزایش قیمت فرش بعلت کمبود نیروی انسانی مورد نیاز تأیید میگردد.

۱- صنعت نساجی روستائی سال ۱۳۴۹ - مرکز آمار ایران.

اهمیت صنعت نساجی در روستاهای آذربایجان شرقی

وجود صنایع دستی در نواحی فلاحتی و مناطقی که هنوز کشاورزی مدرن و صنایع کارخانه‌ای توسعه کافی نیافته‌است ارتباطی نزدیک با زندگی و معیشت روستائی و دامپروری و بویژه ایلاتی دارد. در نواحی که پرورش دام و تولیدات دامی بعلت وجود مراتع وسیع رونق دارد با استفاده از پشم و پوست و مواد اولیه دامی مسلماً صنایع مربوط بآن نیز در توسعه است. مهمترین رشته‌های صنایع روستائی وابسته بدامپروری، صنایع نساجی، بویژه بافت فرشهای پشمی، اعم از قالی وقالیچه وکناره و گلیم و جاجیم و غیره میباشد.

بعلاوه محدود بودن منطقه وعدم دسترسی کامل به شبکه و راهها و وسائل جدید ارتباطی، وجود مواد اولیه فراوان در دسترس، شرایط طبیعی و اقلیمی محلی که مدت چند ماه از سال زارع و کشاورز را بناچار بیکار میکند و نیز بعلت درآمد کم کشاورزی و عوامل مربوط به آداب و سنن محلی، همه در توسعه صنایع نساجی بویژه قالیبافی مؤثر و در روش تولید و ابزار کار آن دخالت کامل داشته است.

قالیبافان پرکار آذربایجانی، از دیر زمانی است که با وجود نداشتن اطلاعات علمی کافی تغییراتی در هیأت پشم داده و حتی بدون آنکه خود بدانند چکار میکنند، محصول مورد توجه و مورد نیاز اکثر ملل جهان را تولید میکنند. توسعه کارگاههای فرشبافی در روستاهای آذربایجان شرقی در سالهای اخیر سبب شده است که بکلی از صدور پشم اضافی منطقه آذربایجان شرقی جلوگیری بعمل آمده و این منطقه خود در ردیف یکی از نقاط وارد کننده پشم در آید.

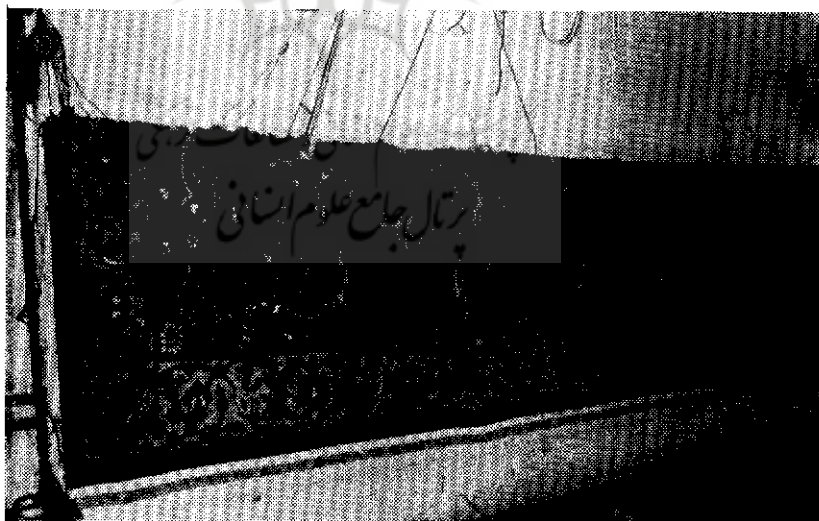
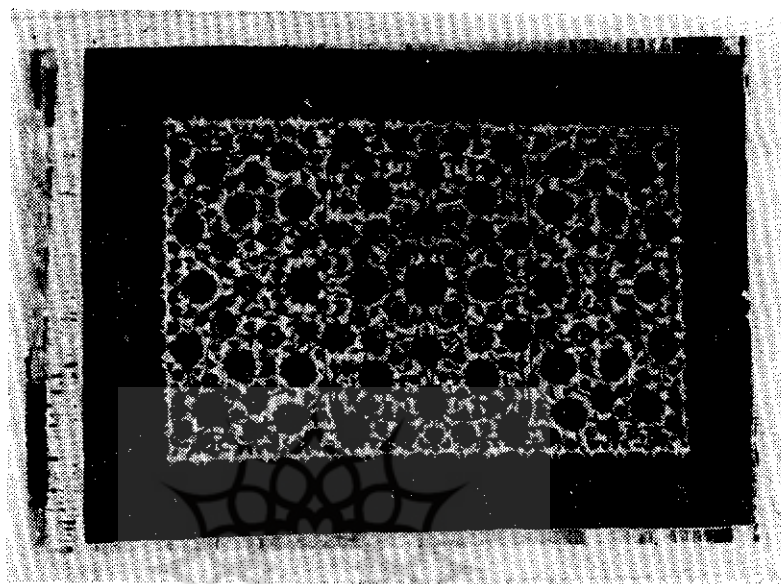
ضمناً باید اضافه کرد که اهمیت صنعت فرش در آذربایجان، سایر صنعت نساجی پشمی و پنبه‌ای را تحت الشعاع قرار داده است. توسعه روزافزون فرش بافی را از طرفی ارتباط کامل با گسترش بازار صادراتی و نیز افزایش مصرف کننده داخلی دانسته و از طرف دیگر باید در نتیجه محدودیت فعالیت‌های کشاورزی و رشد سریع جمعیت دانست که در وضع فعلی نیروی انسانی عظیمی که کشاورزی ماشینی با سرعت بیشتر آنرا آزاد میکند در صنعت فرش بکار گرفته میشود. بدین ترتیب قالبیابی علاوه بر امتیازات اقتصادی و اجتماعی که در بالا بر شمرده شد یک عامل عمده کُند کننده مهاجرت روستائی بطرف شهرها محسوب میشود.

بر اساس دفاتر اداره کل گمرک آذربایجان شرقی در سال ۱۳۵۰ فقط از طریق گمرک تبریز بیش از ۴۹ میلیون ریال فرش آذربایجان شرقی بکشورهائی از قبیل آلمان غربی، امریکا، انگلستان، فرانسه و سایر کشورهای اروپائی و عربی صادر شده است.

صنایع نساجی در روستاهای آذربایجان شرقی

۱- تعداد کارگاه‌های نساجی در روستاهای آذربایجان شرقی

بر اساس آمارگیری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۴۹ در حدود ۴۳۸۸۶ کارگاه نساجی در کل روستاهای آذربایجان شرقی مشغول فعالیت بودند که این تعداد برابر است با ۱۲/۱ درصد کل کارگاه‌های نساجی روستائی کشور. بدین ترتیب استان آذربایجان شرقی از لحاظ تعداد کارگاه‌های نساجی روستائی در سطح کشور، در ردیف پنجم بعد از استانهای: مرکزی، اصفهان، همدان و خراسان قرار گرفته است. توزیع متوسط کارگاه‌های



نمونه‌ای از دست آوردهای قالیبافان آذربایجان

توزیع جغرافیائی کارگاههای نساجی روستائی در کشور
سال ۱۳۴۹



نساجی بین روستاهای آذربایجان شرقی در حدود ۱۰ کارگاه در هر روستا می باشد .

بررسی کارگاههای نساجی روستاهای آذربایجان شرقی از لحاظ مستقل و توأم بودن کارگاهها ، حاکی از این است که از ۴۳۸۸۶ کارگاه نساجی روستائی در حدود ۴۳۶۶۶ کارگاه یا ۹۹/۵ درصد از کل کارگاهها بصورت توأم و فقط ۲۲۰ کارگاه یا ۰/۵ درصد مستقل میباشد. این نسبتها بروشنی بازگو میکند که هنوز صنایع نساجی روستائی در آذربایجان شرقی حالت خانگی دارد و میتوان گفت کلیه تولیدات نساجی روستائی، خانوادگی است و در داخل خانهها و خانوارها تولید میگردد. جدول شماره یک توزیع کارگاههای نساجی روستائی استان آذربایجان شرقی و کشور را بتفکیک نوع آنها نشان میدهد^۱.

۲- توزیع جغرافیائی نقاط قالببافی در مناطق روستائی آذربایجان شرقی

استان آذربایجان شرقی عموماً دارای ۴۳۴۳ روستا میباشد که در ۱۱۴۷ روستا یا ۲۶/۴۱ درصد کل روستاهای استان صنعت قالببافی متداول است . از لحاظ توزیع فراوانی روستاهائی که دارای کارگاههای قالببافی میباشد ، شهرستان هشترود با ۲۲۷ روستا یا ۲۴/۱ درصد در کل استان در مرتبه اول و شهرستان ارسباران با ۲۰۴ روستا یا ۱۷/۷ درصد کل استان در مرتبه دوم ، شهرستان تبریز با ۱۲۸ روستا و ۱۱/۱

۱- کارگاه نساجی مستقل مکانی است که در آن فقط فعالیت نساجی صورت میگیرد و کارگاه نساجی توأم مکانی است که در آن علاوه بر سکونت فعالیت نساجی نیز انجام گیرد .

جدول شماره ۱ - توزیع کارگاههای نساجی روستایی کشور آذربایجان شرقی در سال ۱۳۴۹

درصد	تعداد	مستقل		جمع		شرح
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۹۹	۳۵۹۶۶۹	۱/۰	۳۷۳۴	۱۰۰	۳۶۱۳۰۳	کل کشور
۹۹/۵	۴۳۶۶۷	۰/۵	۴۲۰	۱۰۰	۴۳۸۸۷	از ریا بجان شرقی
—	۱۲/۱	—	۵/۸	—	۱۲/۱	نسبت آذربایجان شرقی به کل کشور

درصد کل استان در مرتبه سوم قرار گرفته است. کمترین تعداد روستاهائیکه صنعت قالیبافی در آن متداول است مربوط به شهرستان مرند میباشد (۳۷ روستا یا ۲/۳ درصد کل استان). جدول شماره ۲ توزیع روستاهای استان و نقاطیکه قالیبافی در آنها متداول است بتفکیک شهرستان نشان میدهد. نسبت‌های داده شده در این جدول رابطه نزدیک و مستقیم عوامل طبیعی، وضع کشاورزی و ارتباطی روستاها را با توسعه و گسترش صنعت قالیبافی در این نقاط تأیید میکند. بعنوان نمونه شهرستان هشترود منطقه‌ای است کوهستانی و در حدود ۲/۳ روستاهای این شهرستان در منطقه کوهستانی واقع شده است. شرایط طبیعی وضع راههای ارتباطی روستاها را بنقاط دیگر مجاور، یا بشهرها و مراکز اقتصادی و اداری و یا بر اهلای شوسه، نامطلوب و نامنظم و غیر قابل اطمینان نموده است. و مسلماً این وضع در ساختمان اقتصادی و اجتماعی این منطقه تأثیر فراوانی داشته است، زیرا بعلمت نبودن راه مناسب و یابسته شدن راهها، رفت و آمد بشهرها خیلی محدود و کم است، در نتیجه روستائی خواهی نخواهی به صنعت قالیبافی روی آورده و فصل سرد زمستان سخت منطقه کوهستانی خود را با بافتن قالیبافی با آخر میرساند.

۳- گروه بندی مناطق قالیبافی بر اساس تعداد دستگاه قالیبافی

بر اساس جدول شماره ۳ از ۱۱۴۷ روستائیکه قالیبافی در آنها متداول است ۶۶۳ روستا یا ۵۸ درصد در گروه کمتر از ۹ دستگاه و ۱۴۹ روستا یا ۱۳ درصد در گروه بین ۱۰ تا ۱۹ دستگاه قرار گرفته است. بطور کلی اکثریت کارگاههای روستائی کوچک است و تعداد دستگاههای آنها بین يك تا ۱۰ میباشد. روستائیان معمولاً يك تا ۲ دستگاه بافندگی

جدول شماره ۳

توزیع جغرافیائی مناطق روستائی قالیبافی در آذربایجان شرقی

ردیف	شهرستان	تعداد کل آبادی	تعداد آبادی های که قالیبافی دارند	درصد
۱	اردبیل	۳۷۹	۹۳	۲۴/۵۳
۲	ارسباران	۹۱۸	۲۰۴	۲۲/۲۲
۳	تبریز	۴۵۸	۱۲۸	۲۷/۹۴
۴	خلخال	۳۶۲	۱۱۰	۳۰/۳۸
۵	سراب	۱۴۵	۶۲	۴۲/۷۵
۶	مراغه	۳۰۵	۹۲	۳۰/۱۶
۷	مرند	۱۶۱	۳۷	۲۲/۹۸
۸	مشکین شهر	۷۶۸	۱۰۹	۱۴/۱۹
۹	میانه	۲۹۶	۸۵	۲۸/۷۱
۱۰	هشتروند	۵۵۱	۲۲۷	۴۱/۱۹
	جمع	۴۳۴۳	۱۱۴۷	۲۶/۴۱

جدول شماره ۴ توزیع کارگاههای قالیبافی در روستاهای آذربایجان شرقی بنفیکتمسداد کارگاه

جمع	۱۰ تا ۱۰۰ دستگاه بیشتر	۱۰۰ تا ۵۰۰ دستگاه	۵۰۰ تا ۱۰۰۰ دستگاه	۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ دستگاه	۳۰۰۰ تا ۶۰۰۰ دستگاه	۶۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ دستگاه	۱۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ دستگاه	کمتر	گروه شهرستانها	ردیف ایستگاه
۱۲۸	۱۶	۴۲	۳۰	۱۴	۱۹	۷	۱	۷	تبریز	۱
۳۷	-	۵	۹	۱۱	۵	۷	۲	۷	مرزند	۲
۹۳	-	-	-	-	۱۰	۸۳	۳	۸۳	اردبیل	۳
۶۲	۱۶	۲۱	۱۹	-	۳	۳	۴	۳	سراب	۴
۹۲	-	-	-	۵	۵	۸۲	۵	۸۲	مراغه	۵
۱۰۹	-	-	۲	۳	۹	۹۵	۶	۹۵	مشکین شهر	۶
۸۵	-	-	۲	۲۰	۲۳	۴۰	۷	۴۰	بیانه	۷
۲۰۴	۵	۱۸	۴۹	۳۸	۵۵	۳۹	۸	۳۹	اهر ساران	۸
۲۲۷	-	-	-	۱۰	۱۳	۲۰۴	۹	۲۰۴	نقاط هذت رود	۹
۱۱۰	-	-	-	-	۷	۱۰۳	۱۰	۱۰۳	خلخال	۱۰
۱۱۴۷	۳۷	۸۶	۱۱۱	۱۰۱	۱۴۹	۶۶۳		۶۶۳	جمع کل	

در اطاق مسکونی خود دایر و در همان محل زندگی خود مشغول بافندگی میشوند. همچنین در نقاط روستائی در بافندگی فرش حتی المقدور زن و فرزندان بعنوان کارگر و مرد خانواده بعنوان استادکار مشغول کار میشوند. تعداد قابل توجهی از این کارگاهها در بین خانوادههای کم درآمد و پسران و روستائی متداول است. البته تولید اینگونه کارگاهها بعلت کمی سرمایه از نوع مرغوب نمیشد و این افراد ناچارند از ارزانترین مواد اولیه و نامرغوبترین آنها (خامههایی که از پشم دباغی تهیه میشود) استفاده کنند و خود در منزل رنگ کرده و در بافت قالی درجه ۳ بمصرف برسانند.

۴- توزیع کارگاههای نساجی بر حسب نوع فعالیت در

روستاهای آذربایجان شرقی

در این بررسی بطور کلی کارگاههای نساجی روستائی به سه گروه عمده قالیبافی، ریسندگی و بافندگی، گلیم و زیلوبافی تقسیم شده است. از ۴۳۸۸۶ کارگاه نساجی روستائی آذربایجان شرقی در سال ۱۳۴۹ تعداد ۳۷۸۴۶ کارگاه یا ۸۶/۲ درصد مربوط به فعالیت قالیبافی و تعداد ۳۴۱ کارگاه یا ۰/۷۷ درصد مربوط به کارگاههای ریسندگی و بافندگی و تعداد ۵۶۹۹ کارگاه یا ۱۳ درصد مربوط به فعالیت گلیم و زیلوبافی میباشد. بنا به محاسبه دیگر از کل کارگاههای قالیبافی کشور ۱۱/۷ درصد و از ریسندگی و بافندگی ۱/۲ درصد و از فعالیت گلیم و زیلوبافی ۴۵/۲ درصد در روستاهای آذربایجان شرقی واقع شده است. بدین ترتیب روستاهای استان آذربایجان شرقی از لحاظ قالیبافی در کل کشور بعد از استانهای مرکزی اصفهان، همدان، خراسان در مرتبه پنجم و از لحاظ گلیم و زیلوبافی با

توزیع مناطق روستائی قالیبانی در آذربایجان شرقی



● نماینده ۱۰ کارگاه

دارا بودن تقریباً نصف مجموع کارگاههای زیلو و گلیم بافی روستائی کشور در مرتبه اول قرار گرفته است. از لحاظ فعالیت ریسندگی بعد از استانهای فارس، اصفهان، خراسان، گیلان، یزد، بختیاری و چهارمحال، استان ساحلی، در مقام هشتم قرار گرفته است.

جدول شماره ۴ توزیع کارگاههای نساجی روستائی آذربایجان شرقی را بتفکیک نوع فعالیت و نسبت آنها بکل کشور نشان میدهد.

۵- توزیع کارگاههای نساجی روستائی بر حسب نوع کار

فعالیت در کارگاههای نساجی روستائی بدو گونه صورت میگیرد یا با اصطلاح معمول «کارگاه بحساب خود» و یا «کارگاه بحساب دیگران» است. کارگاه بحساب خود کارگاهی است که برای خود کار میکند و یا عبارت دیگر کلیه مواد اولیه مورد نیاز را رأساً خریداری کرده و پس از تولید کالا مستقلاً محصول تولید شده را به فروش میرساند. تعداد کارگاههای این گروه در روستاهای استان آذربایجان شرقی در حدود ۳۸۸۰۸ یا ۸۸/۴ درصد کل کارگاههای استان است. این رقم بنوبه خود بازگوکننده بهبود وضع اقتصادی روستاهاست. قبل از اصلاحات ارضی درست وضع برعکس این بود و تولیدکننده مصنوعات روستائی همیشه بعلت فقر مالی اجیر دیگران بود و فقط در مقابل دستمزد بسیار اندک که آنهم غالباً بصورت جنسی از قبیل قند و چای و چیت پرداخت میشد کار طاقت فرسای شبانه روزی را انجام میداد و حاصل زحمت و تلاش شبانه روزی خود و خانواده را دودستی تقدیم سرمایه داران بویژه شهرنشینان میکرد.

گروه دوم افرادی هستند که بحساب دیگران کار میکنند یعنی

جدول شماره (۲) توزیع کارگاههای نساجی روستائی بتفکیک نوع فعالیت در کل کشور و آذربایجان شرقی در سال ۱۳۴۹

گیم وزنی و بافی		ریسندگی و بافندگی		تالییافی		جمع		شرح
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳/۵	۱۲۶۰۲	۷/۶	۲۷۶۸۴	۸۸/۹	۳۲۳۱۷	۱۰۰	۳۶۳۴۳	کل کشور
۱۳	۵۶۹۹	/۷۷	۳۴۱	۸۶/۲	۳۷۸۴۶	۱۰۰	۴۳۸۸۶	آذربایجان شرقی
-	۴۵/۲	-	۱/۲	-	۱۱/۷	-	۱۲/۱	نسبت آذربایجان شرقی بکل کشور

مواد اولیه مورد نیاز را از صاحب کار دریافت می‌کند و کالای تولید شده را به صاحب کار تحویل می‌دهند و درسود و زیان کالای تولید شده کوچکترین سهمی ندارند. این نوع معامله یادگاری است از دوران تاریک و استعمار گذشته در روستاهای کشور. خوشبختانه تعداد این نوع کارگاهها با سرعت زیاد رو بکاهش است و در سال ۱۳۴۹ از کل کارگاههای نساجی روستائی آذربایجان شرقی فقط تعداد ۴۸۱۴ کارگاه یا ۱۱ درصد بحساب دیگران کار میکردند. البته در این تقسیم‌بندی گروه سومی هم وجود دارد که عبارت است از کارگاههاییکه بحساب خود و دیگران فعالیت میکند. در این نوع کارگاهها که تعداد آنها در روستاهای این استان بسیار کم و در حدود ۲۶۴ کارگاه و یا ۶٪ درصد از کل کارگاهها میباشد، قسمتی از مواد اولیه را صاحب کارگاه رأساً خریداری می‌کند و قسمتی را نیز از صاحب کار تحویل میگیرد. در نتیجه قسمتی از محصولات تولید شده را شخصاً بفروش میرساند و قسمت دیگر را به صاحب کار تحویل میدهد.

جدول شماره ۵ و ۶ بترتیب توزیع کارگاههای نساجی روستائی را بتفکیک نوع کار در کل کشور و آذربایجان شرقی و همچنین توزیع کارگاههای نساجی روستائی آذربایجان شرقی را بتفکیک نوع کار نشان میدهد.

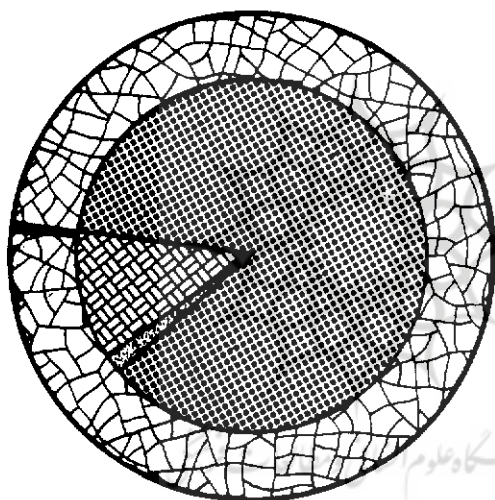
۶- نیروی انسانی

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۴۹ در کل کارگاههای نساجی روستائی آذربایجان شرقی بطور متوسط ۶۳۳۲۱ نفر مشغول کار بودند که این تعداد برابر است با ۱۳ درصد کل کارکنان صنایع نساجی روستائی کشور. از این لحاظ استان آذربایجان شرقی بعد از استانهای

جدول شماره ۵- توزیع کارگاههای نساجی روستائی بتفکیک نوع کاربرد کل کشور و آذربایجان شرقی در سال ۱۳۴۹

بیمبار		بیمبار خور و دیگر		بیمبار خور		بیمبار		بیمبار		شماره
درصد	بیمبار	درصد	بیمبار	درصد	بیمبار	درصد	بیمبار	درصد	بیمبار	
۲۰/۷	۱۱۱۶۰۰	۱/۲	۴۴۹۷	۶۸	۲۴۷۳۰۶	۱۰۰	۳۶۳۴۳			کل کشور
۱۱	۴۸۱۴	۰/۶	۲۶۴	۸۸/۴	۳۸۸۰۸	۱۰۰	۴۳۸۸۷			آذربایجان شرقی
-	۴/۳	-	۵/۸	-	۱۵/۶	-	۱۲/۱			نسبت آذربایجان شرقی بکل کشور

توزیع کارگاه‌های نساجی روستائی در آذربایجان شرقی
بنفکیک نوع فعالیت



پژوهشگاه علوم
پرتال جامع علوم انسانی

مستقل



قالیبافی



توام



کمی
رسندگی و بافندگی

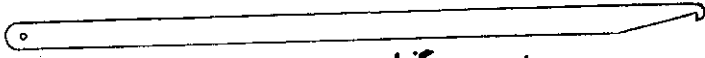


گلیم و زلیبافی



جدول شماره ۶ - توزیع کارگاه‌های نساجی روستایی استان آذربایجان شرقی بتفکیک نوع کار در سال ۱۳۴۹

نوع فعالیت	جمع		بحساب خود		بحساب دیگران		بحساب دیگران	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جمع کل	۴۳۸۸۶	۱۰۰	۳۸۸۸	۸۸/۴	۲۶۴	۰/۶	۴۸۱۴	۱۱
فالی بافی	۳۷۸۴۶	۱۰۰	۳۴۳۵۷	۹۰/۸	۲۶۴	۰/۷	۳۲۲۰	۸/۵
ریسندگی و بافندگی	۳۴۱	۱۰۰	۳۲۰	۹۶/۸	۰	۰	۱۱۱	۲/۲
گلیم و زینلو بافی	۵۶۹۹	۱۰۰	۴۱۲۶	۷۲/۴	۰	۰	۱۵۷۳	۲۷/۶



سیخ بسود گذاری



اره



دغه



قاشین



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فصلنامه علمی علوم انسانی



قلاب

ابزار متداول در قالب‌های آذربایجان

مرکزی، خراسان، اصفهان، درمر تبه چهارم قرار گرفته است. از کل شاغلین در صنایع نساجی روستائی در آذربایجان شرقی تعداد ۵۸۴۲۹ تقریباً ۹۱/۲ درصد در رشته قالی بافی و ۴۱۱ نفر یا ۶۴/۶ درصد در رشته ریسندگی و بافندگی و ۴۴۸۱ نفر یا ۷ درصد در صنعت گلیم و زیلو بافی مشغول فعالیت بودند.

جدول شماره ۷ توزیع کارکنان کارگاههای نساجی روستائی آذربایجان شرقی را به تفکیک نوع فعالیت در مقایسه با کل کشور و جدول شماره ۸ نسبت تعداد مزد و حقوق بگیران را بکل کارکنان در سال ۱۳۴۹ نشان می دهد.

تعداد کل قالیبافان روستائی آذربایجان شرقی در سال ۱۳۴۴ رقمی در حدود ۵۲۵۵۰ نفر (۵۱۳۵۰ زن و ۱۲۰۰ مرد) توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی برآورد گردیده است و این یکی از خصوصیات صنعت قالیبافی در روستاهای آذربایجان شرقی است که اکثریت کارکنان آنرا زنان تشکیل می دهند.

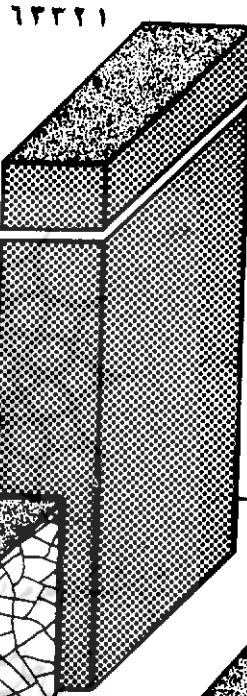
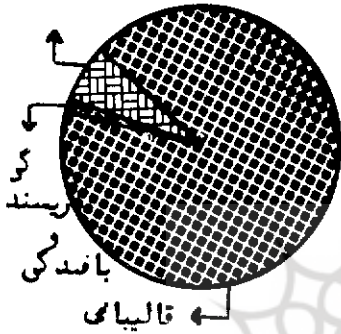
بعبارت دیگر صنایع نساجی روستائی کار زنان است و فقط عده ناچیزی نزدیک به ۵ درصد از مردان و پسر بچه ها در هریس به قالیبافی اشتغال دارند. از خصوصیات دیگر این صنعت جوانی شاغلان آن است. بطوریکه از مجموع بافندگان روستائی آذربایجان شرقی در سال ۱۳۴۴ بیش از ۴۲ درصد کمتر از ۱۴ سال و نزدیک به ۸۰ درصد کمتر از ۳۰ سال داشتند. علت عمده و اساسی این کم سن و سال بودن کارگران قالیبافی آنکه بودن ارزش افزوده سرانه یا قدرت تولید میباشد که معمولاً افرادی را که در حرفه‌ی دیگر امکان فعالیت و اشتغال برایشان وجود ندارد (زنان و

جدول شماره (۲) توزیع کارگان کارگاه‌های نساجی روستای بنگکوک نوع فعالیت در کل کشور و آذربایجان شرقی (متوسط فصول) سال ۱۳۴۹

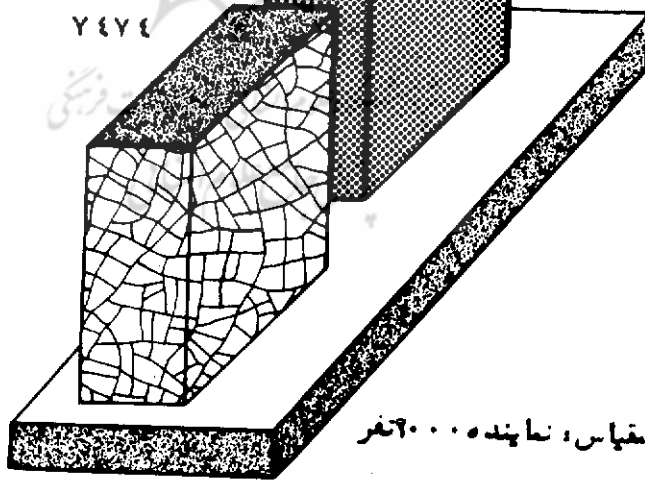
کشور	گرم وزله		رستندگی و بافندگی		قالی بافندگی		جمع		نسبت آذربایجان شرقی بکل کشور
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
کل کشور	۱۲۷۸۵	۶/۳	۳۰۰۳۱	۲۴/۵	۴۵۲۸۳۲	۱۰۰	۴۸۹۶۲۲	۱۰۰	
آذربایجان شرقی	۴۴۸۹	۱/۶	۱۱۱	۰/۲	۵۸۳۵۵	۱۰۰	۶۳۳۲۱	۱۰۰	
نسبت آذربایجان شرقی بکل کشور	۳۵	—	۱/۷	—	۱۲/۴	—	۱۲/۹	—	

توزیع کارکنان کارگاههای نساجی بتفکیک نوع فعالیت و مزد بگیر و کارکن نامیلسی

کلم و زیلسو



۷۴۷۴



مقیاس: نمانده ۶۰۰۰ نفر

جدول شماره (۸) نسبت تعداد مزد و حقوق بگیران به کل کارکنان بنگاه فعالیت (متوسط فصول)
در آذربایجان شرقی سال ۱۳۴۹

نوع فعالیت	کل کارکنان	مزد و حقوق بگیران	درصد حقوق بگیران بکل کارکنان
کل صنایع نساجی	۶۳۳۲۱	۷۴۷۴	۱۱/۸
تالیها فنی	۵۸۴۲۹	۷۳۹۴	۱۲/۷
ریسندگی و بافندگی	۴۱۱	۶۳	۱۵/۳
گشم و زیلو با فنی	۴۴۸۱	۱۷	۳/۰

جدول شماره (۹)
توزیع کارکنان فابریک نساجی روستای آذربایجان شرقی برحسب گروههای سنی در سال ۱۳۴۴

جمع		مرد		زن		گروههای سنی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۲/۸	۶۷۰۷	۶۳/۶	۷۶۳	۱۱/۶	۵۹۴۴	کمتر از ۹ سال
۲۹/۹	۱۵۶۹۳	۳۶/۴	۴۳۷	۲۹/۷	۱۵۲۵۶	" ۱۴-۱۰
۱۳/۲	۶۹۱۸	-	-	۱۳/۴	۶۹۱۸	" ۱۹-۱۵
۱۱/۳	۵۹۳۹	-	-	۱۱/۷	۵۹۳۹	" ۲۴-۲۰
۱۲/۱	۶۳۵۲	-	-	۱۲/۴	۶۳۵۲	" ۲۹-۲۵
۹/۳	۴۹۱۲	-	-	۹/۶	۴۹۱۲	" ۳۴-۳۰
۴/۵	۲۳۹۵	-	-	۴/۶	۲۳۹۵	" ۳۹-۳۵
۲/۵	۱۲۹۳	-	-	۲/۵	۱۲۹۳	" ۴۴-۴۰
۲/۳	۱۲۲۷	-	-	۲/۴	۱۲۲۷	" ۴۹-۴۵
۱/۳	۶۸۶	-	-	۱/۳	۶۸۶	" ۵۴-۵۰
۰/۴	۲۱۴	-	-	۰/۴	۲۱۴	" ۵۹-۵۵
۰/۴	۲۱۴	-	-	۰/۴	۲۱۴	۶۰ سال و بیشتر
۱۰۰	۵۲۵۵۰	۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۵۱۳۵۰	جمع کل

خردسال در روستاها) بسوی این صنعت جذب می‌کند و این وضع یکی از علل عمده تعداد زوجات و زیادی تعداد فرزندان در روستاها بوده است. جدول شماره ۹ توزیع بافندگان مناطق روستائی آذربایجان شرقی را بر حسب گروههای سنی در سال ۱۳۴۴ نشان میدهد.

از تعداد کل کارکنان کارگاههای نساجی روستائی آذربایجان شرقی فقط ۷۴۷۴ نفر یا ۱۱/۸ درصد مزد و حقوق بگیر و بقیه کارکنان خانوادگی بودند. و این نسبتها بازگوکننده این وضع است که نساجی، کارفرعی روستائی است و در موارد بیکاری و یا فراغت از کار روزانه صورت میگیرد. بطوریکه از کل کارکنان در سال ۱۳۴۹ بیشترین تعداد یا ۸۲۲۷۵ نفر در فصل زمستان یعنی در فصل بیکاری روستائیان آذربایجان شرقی و کمترین آن یا ۴۱۱۳۷ نفر در تابستان یعنی در فصل پرکار و مشغله روستائی مشغول کار بودند. این وضع در مورد کارگاههایی که دارای مزد و حقوق بگیر میباشد نیز صادق است.

بررسی منابع مالی و سرمایه گذاری

۱- ارزش مواد اولیه :

ارزش مواد اولیه خریداری شده بوسیله کلیه کارگاههای نساجی روستائی استان در سال ۱۳۴۹ در حدود ۸۴۰۳۰۷ هزار ریال بوده است. این رقم برابر است با ۱۷/۷ درصد کل ارزش مواد اولیه کارگاههای نساجی روستائی کشور که در سال مذکور مصرف شده است و از این لحاظ استان آذربایجان شرقی بامختصر تفاوت بعد از استان مرکزی در مرتبه دوم در کل کشور قرار گرفته است.

از کل مواد اولیه مصرف شده مبلغ ۵۸۱۲۲۴ هزار ریال یا ۶۹/۴ درصد از طرف خود کارگاهها خریداری شده و بقیه که ۳۱ درصد میباشد از طرف صاحب کار تأمین شده است. از جمع مواد اولیه مصرفی مبلغ ۵۲۴۴۳۳ هزار ریال یا ۶۹ درصد مربوط به تولید قالی و ۴۳۸۷۷ هزار ریال یا ۵/۲ درصد به کارگاههای ریسندگی و بافندگی و ۳۰۶۱۴ هزار ریال یا ۳/۶ درصد مربوط به تولید گلیم و زیلو میباشد.

مواد اولیه مصرفی قالیبافی عبارتند از رنگ، پشم، نخ و درپاره‌ای موارد ابریشم، قسمت اعظم پشم مورد نیاز قالیبافی آذربایجان در خود منطقه بویژه از شهرستانهای ماکو، خوی، مهاباد، دشت مغان و رضائیه تأمین میشود. پشم گوسفندان نژاد ماکو و خوی بیشتر سفید رنگ و به لحاظ لطافت و بلندی الیاف و شفافیت بسیار مرغوب است. بیشتر پشم گوسفندان مهاباد و رضائیه الوان میباشد و بالاخره پشم گوسفندان دشت مغان زبر و در قالیهای درجه ۳۴ مصرف بیشتر دارد. انواع نخ خام مورد نیاز قالیبافان آذربایجان از اصفهان و کاشان و کارخانجات ریسندگی تبریز تأمین میشود. جدول شماره ۱۰ ارزش مواد اولیه مصرفی در کارگاههای نساجی روستائی را بتفکیک نوع فعالیت در کل کشور و آذربایجان شرقی نشان میدهد.

در سال ۱۳۴۹ مبلغ ۳۹۹ هزار ریال از بابت مصرف سوخت در کارگاههای نساجی روستائی آذربایجان شرقی پرداخت شده است که این مبالغ کلاً مربوط به کارگاههای قالیبافی میباشد.

۲- دستمزد پرداختی

در سال ۱۳۴۹ در کارگاههای نساجی روستائی آذربایجان شرقی

توزیع جغرافیائی کارکنان صنایع نساجی روستائی در کشور

در سال ۱۳۴۶



● نماینده ۵۰۰۰ نفر

جدول شماره (۱۰۰)

ارزش مواد اولیه مصرفی در کارگاههای نساجی روستایی بتفکیک نوع فعالیت در کل کشور و آذربایجان شرقی
(ارزش هزار ریالی)

شرح	جمع		قالبیاتی		ریسندگی و یافتگی		گیجوزیلو بافنی	
	ارزش	درصد	ارزش	درصد	ارزش	درصد	ارزش	درصد
کل کشور	۴۷۳۳۴۴	۱۰۰	۴۱۸۴۵۱	۸۸/۴	۴۱۱۴۸۴	۸/۷	۱۳۷۴۱۴	۲/۹
آذربایجان شرقی	۸۴۰۳۰۷	۱۰۰	۷۶۵۸۱۶	۹۱/۱	۴۳۸۷۷	۵/۲	۳۰۶۱۴	۳/۶
نسبت آذربایجان شرقی بکل کشور	۱۷/۸	-	۱۸/۳	-	۱۰/۷	-	۲۲/۳	-

جمعاً تعداد ۷۴۸۴ نفر کارکن مزد و حقوق‌بگیر مشغول کار بوده است که برای این افراد در سال مزبور کلاً مبلغ ۷۱۰۷۳ هزار ریال دستمزد پرداخت شده است که از این مبلغ بترتیب ۷۰۱۹۰ هزار ریال مربوط به کارگران قالی‌بافی، ۸۶۵ هزار ریال مربوط به صنایع ریسندگی و بافندگی و فقط ۱۸ هزار ریال مربوط به کارگران گلیم و زیلوبافی است.

بنا بر محاسبه دیگر متوسط دستمزد پرداختی برای هر یک از کارکنان مزد و حقوق‌بگیر در حدود ۹۵۰۹ ریال در سال بوده است. بنا به برآورد مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دستمزد سرانه کارگران قالیبافی کمی بیش از ۶ هزار ریال در سال ۱۳۴۴ بوده است. بطور کلی میتوان گفت متوسط دستمزد سرانه در این صنعت اندک میباشد.

جدول شماره ۱۱ دستمزد پرداختی برای کارکنان مزد و حقوق‌بگیر صنایع نساجی روستائی را بتفکیک نوع فعالیت در کل کشور و آذربایجان شرقی نشان میدهد.

۳- ارزش محصولات تولید شده

در کارگاههای صنایع نساجی روستائی آذربایجان شرقی در سال ۱۳۴۹ جمعاً بارزش ۱۲۶۷۵۸۹ هزار ریال محصولات نساجی تولید شده است. این مبلغ برابر است با ۱۵/۹ درصد کل ارزش محصولات نساجی تولید شده در روستاهای کشور.

از کل محصولات تولید شده در صنایع نساجی روستائی آذربایجان شرقی مبلغ ۶۰۲۳۸۶ هزار ریال یا ۴۷/۵ درصد مستقیماً بوسیله صاحب کارگاه و ۴۴۲۶۱۹ هزار ریال یا ۳۴/۹ درصد توسط دیگران بفروش رسیده است و بقیه تولید که بارزش ۲۲۲۵۸۴ هزار ریال یا ۱۷/۵ درصد

جدول شماره (۴۱) دستمزدهای پرداختی برای کارکنان مزد بگیر صنایع نساجی روستایی در آذربایجان شرقی
در سال ۱۳۴۹

گروه‌های باقی		ریسندگی و یافتگی		تالیهای		جمع		شرح
		درصد	دستمزدهای پرداختی	درصد	دستمزدهای پرداختی	درصد	دستمزدهای پرداختی	
۹/۰	۴۶۸۶	۵/۵	۲۹۴۸	۹۳/۲	۴۷۹۸۳	۱۰۰	۵۳۲۰۸۷	کل کشور
۰/۳	۸۱	۱/۲۲	۸۶۵	۹۸/۷۶	۷۰۱۹۰	۱۰۰	۷۱۰۷۳	آذربایجان شرقی
-	۰/۴	-	۲/۹	-	۱۴/۱	-	۱۳/۴	نسبت آذربایجان شرقی بکل کشور

میباشد بصاحب کار تحویل داده شده است .

ازکل ارزش محصولات تولید شده مبلغ ۱۱۶۲۴۶۳ هزار ریال یا ۹۱/۷ درصد مربوط به تولید قالی و ۵۸۶۸۱ هزار ریال یا ۴/۶ درصد مربوط به کارگاههای ریسندگی و بافندگی و ۴۶۴۴۵ هزار ریال یا ۳/۶ درصد مربوط به تولید کارگاههای گلیم و زیلوبافی میباشد. ارزش افزوده در صنایع نساجی روستائی آذربایجان شرقی در سال ۱۳۴۹ در حدود ۳۸۳۹۱۶ هزار ریال بوده است که بدین ترتیب ارزش افزوده متوسط هر کارگاه در سال مذکور مبلغی در حدود ۸۷۴۰ ریال برآورد شده است .

جدول شماره ۱۲ ارزش محصولات تولید شده در کارگاههای نساجی روستائی آذربایجان شرقی را بتفکیک نوع فعالیت در سال ۱۳۴۹ نشان داده میشود .

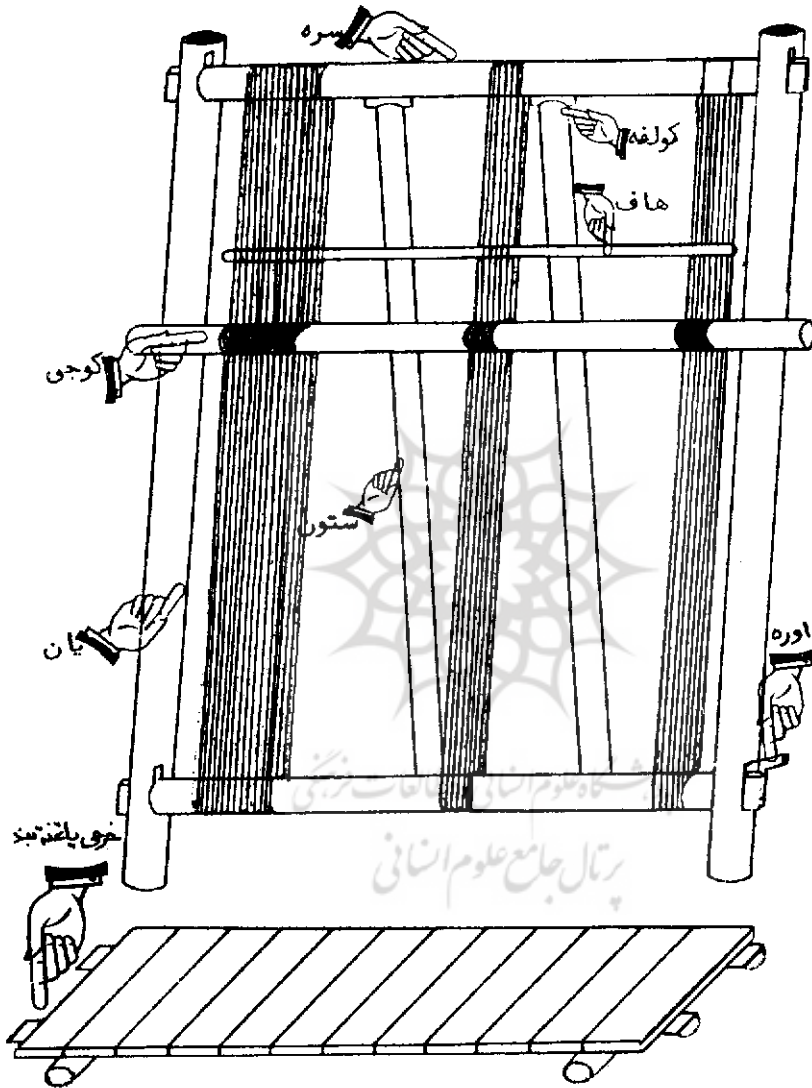
مناطق عمده قالیبافی روستائی در آذربایجان شرقی

مناطق عمده قالیبافی روستائی در آذربایجان شرقی بترتیب اهمیت عبارتند از : هریس ، بدوستان ، ارسباران ، سراب و مهرانرود . هر یک از این مناطق دارای ویژگیهای مربوط بخود میباشد که در پائین بطور فشرده بآنها اشاره میشود .

۱- هریس و بدوستان : همانطوریکه قالیهای ایرانی در دنیا اشتها بسزائی دارند و بخوبی بافت و ظرافت نقشه معروفند ، قالیهای بافته شده در بخش هریس و دهات تابعه آن که بدوستان نیز جزو همین منطقه است نه تنها در آذربایجان بلکه در ایران بمرغوبیت جنس و ثبات رنگ و نقشه مشهور و این خود بهترین و مؤثرترین عامل مشخص کننده قالی های این منطقه از سایر مناطق روستائی این استان است ، ۹۰ درصد بلکه بیشتر

جدول شماره (۱۷) ارزش محصولات تولید شده در کارگاهها و نساچی روستاهای آذربایجان شرقی، بتفکیک
(ارزش هزارریال) نوع فعالیت

گرم وزیلو بافی		ریسندگی و بافندگی		تالیبا فنی		جمع		شرح
درصد	ارزش محصولات	درصد	ارزش محصولات	درصد	ارزش محصولات	درصد	ارزش محصولات	
۲/۳	۱۸۹۰۳۸	۸/۷	۷۱۱۱۶۹	۸۹	۷۴۰۳۳۷	۱۰۰	۸۲۰۸۴۴	کل کشور
۳/۷	۴۶۴۴۵	۴/۶	۵۸۶۸۱	۹۱/۷	۵۱۶۲۴۳	۱۰۰	۳۳۵۸۹	آذربایجان شرقی
-	۲۴/۶	-	۸/۳	-	۱۵/۹	-	۱۵/۵	نسبت آذربایجان بکل کشور



دستگاه متداول قالبیانی در آذربایجان

زنان و دختران روستائی این منطقه در بافت قالی مهارت خاصی دارند و حتی بعضی از آنها در این کار دارای اسم و رسمی میباشند و با انگشتان هنرمند خود و بدون نقشه و بکمک ذهن چنان پدیده‌های هنری بوجود می‌آورند که تمام بیننده‌ها را به تحسین و امیدارند.

منطقه هریس و بدوستان دارای ۷۵ پارچه ده و آبادی میباشد که بافت انواع واقسام قالی و قالیچه در این روستاها متداول است. درباره نقشه قالیها باید گفت که اولاً همه‌شان بدون داشتن نقشه ترسیم شده و بکمک ذهن و حافظه بافته میشوند و ثانیاً تمام نقشه‌هایشان شبیه هم است، بطوریکه تشخیص يك نقشه از نقشه دیگر مستلزم دقت فراوان است و بیشتر این نقشه‌ها در محل به (تاجری) مشهور شده اند و ضمناً بعضی (قره باغی) و بعضی (سماوری) نیز نامیده میشوند که در اصل همان (لچک ترنج) میباشد.

اندازه معمولی قالیهای این منطقه ۳ ذرع در ۲ ذرع میباشد که متن اغلب این قالیها قرمز رنگ است و همچنین قالیچه‌های کوچکی بنامهای محلی پشتی و ذرع چارک بافته می‌شود. پشتی اندازه ایست کوچک و معمولاً جفتی بافته میشود که هر يك ۱۰۰×۷۵ سانتی متر میباشد ولی ذرع چارک اندازه اش بزرگتر و تقریباً ۱۴۰×۱۷۵ سانتیمتر که آنهم دوتائی بهم متصل است. بافت کناره نیز در این منطقه در قدیم بیشتر متداول بود ولی حالا بندرت بافته میشود ولی باز در قسمت عشایر نشین این منطقه متداول است. قیمت فرش‌های این منطقه بعلت مرغوبیت بسیار گران است.

۲- منطقه ارسباران: صنعت قالیبافی در این منطقه دارای اهمیت خاصی است و از نقطه نظر کثرت تولید و میزان صادرات و انواع فرش و

عایدات حاصله بسیار قابل توجه می باشد .

دقیقاً میتوان گفت که پس از تولیدغلات، عایدات حاصل از محصولات دامپروری که در درجه اول آن پشم قرار گرفته اهمیت زیادی داشته و بیش از $\frac{۳}{۴}$ محصولات پشمی حوزه ارسباران پس از تبدیل هیئت آن بفروش آماده صدور میگردد .

فرشها دارای نقشه های طبیعی از حیوانات اهلی و درختها و گل و بوته می باشد . نقشه های متداول قالیهای اهر نقشه تاجری بوده و کناره آنها دارای نقشه مشهور (قراجه) می باشد و کلیه امور مربوط بقالی بافی از قبیل (دوک ریزی و تاب دادن) پشم و رنگ آمیزی در داخل منازل و بوسیله زنان فرش باف صورت میگیرد .

بطور کلی خود منطقه ارسباران بدو قسمت کوچکتر (منطقه چادر نشینان و منطقه روستائی) تقسیم میگردد .

نیازمندیهای پشمی در منطقه چادر نشینان عموماً از محصولات گلهائی تهیه میشود که چادر نشینان ارسباران تربیت میکنند ، بدیهی است که احتیاج مردم صحرانگرد با احتیاج یک روستائی شهری فرق دارد . در درجه اول یک چادر نشین سعی می کند تا از مواد اولیه موجودی خود (پشم) احتیاجات صحرانگردی خویش را تأمین نماید . بدین ترتیب تهیه پوششهای چادری و اقسام نمد و خروجین فرشی برای حمل اثاثیه زندگی در مواقع کوچ و نیز تهیه جاجیم های ساده و گلیم و بالاخره کناره های ظریف و خوب از اختصاصات چادر نشینی محسوب میگردد .

بر اساس مطالعات انجام یافته نخستین نطفه این صنعت بین ایلات و عشایر گذاشته شده است . زیرا گلیم نوعی فرش ، حتی پوششی است که

بعلت سبکی وزن و دوام آن امروزه نیز در بین ایلات و عشایر رواج زیاد دارد. همین گلیم و فرش نازکتر بتدریج تبدیل بفرش ضخیم تر شده و تغییر ماهیت داده است و مخصوصاً کشت پنبه و دسترسی بمواد دیگر که ارزاتر از پشم تمام میشد تا و پود فرش را بوجود آورد تا بالاخره قالی بصورت امروزی درآمد. بهترین منطقه مطالعه برای آشنائی بمراحل تحول و تغییر گلیم و فرش نازک به قالی ضخیم و کلفت روستائی، منطقه ارسباران است که قسمتهای شمالی این ناحیه که بیشتر محل رفت و آمد کوچ نشینان میباشد هنوز در مراحل اولیه این صنعت است و قالی ضخیم بانجا راه نیافته و برعکس در قسمت جنوب که خیری از چادر نشینی نیست قالیهای بسیار خوب و اعلا و پررین، بارنگ و نگار جالب بافته میشود.

در بین چادر نشینان نیز کلیه امور مربوط به تصفیه پشم و سایر عملیات دوکریسی و تاب دادن را زنان چادر نشین انجام میدهند و کودکان در بافندگی بازانان مشارکت می کنند و تحت نظر و بمدیريت آنان فعالیت مینمایند. فقط در تهیه نمدهای دور چادر (فرش نمدی) که احتیاج به لگد زن و نمد مالی دارد و نیروی بیشتری برای غلط دادن آن لازم است مردان چادر نشین مشارکت دارند.

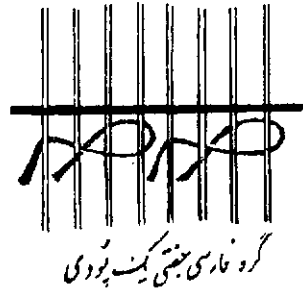
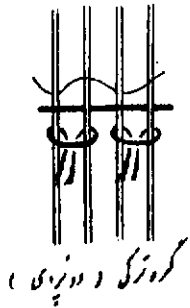
در منطقه روستائی قالیبافی به نسبت دسترسی بمحصول پشم و سهل الوصول بودن این ماده اولیه دارای اهمیت و رونق متفاوتی است.

بدین معنی دهاتی که در کنار مراتع طبیعی قرار گرفته اند و از این مراتع تعلیف گله های بزرگ تأمین میگردد دارای پشم زیاد و در نتیجه قالیبافی رواج کامل دارد و حداقل در هر خانه یک دستگاه قالیبافی دایر است. ولی در دهات دور افتاده از مراتع این صنعت چندان پیشرفت نکرده است.

۳- منطقه سراب: سراب یکی از مناطق فرشبافی است که برای خود استقلال خاصی دارد و از سایر مناطق بخوبی مشخص است. امروزه کناره سراب نه تنها در ایران معروفیت دارد بلکه شهرت جهانی یافته است و در متن های آن معمولاً شکل مکرر رلوزیها دیده میشود. این کناره ها خیلی ضخیم و بادوام بوده و غالباً در بافت آنها پشم شتر نیز بکار میرود. در بعضی از دهات این منطقه قالیهای خوب میبافند، از جمله قالیهای روستائی مشهور شریان میباشد که دارای نقشه بسیار مشهوری است و با قالیهای هریس برابری میکند، ۸۰ درصد سکنه این بخش قالیبافند. قالیهای ریز بافت نیز در این روستا، که معمولاً ریزش به ۴۰ میرسد بافته میشود. نقش شریان که نوعی لچک ترنج میباشد بعلت معروفیت بتمام دهات اطراف سرایت کرده است. در شهر سراب بیش از ۱۰۰۰۰ دستگاه وجود دارد که در بین آنها يك کارخانه بزرگی همیشه ۱۵۰ دستگاه فعال دارد و این کارخانه دارای نقشه مخصوص بخود میباشد. این کارخانه سالهاست که با يك شرکت بزرگ آلمانی قرارداد تجارتي منعقد نموده و طبق این قرارداد همه محصولات خود را بخارج از کشور صادر مینماید.

محصولات قالی سراب بین سه منطقه توزیع میشود که از همه بیشتر تهران و بعد به تبریز و در درجه سوم به اردبیل صادر میشود و از لحاظ دستمزد غیر از آن کارخانه بزرگ که بصورت قابل میباشد، بقیه برخلاف سایر مناطق بصورت قطعه ای دستمزد پرداخت میشود.

۴- منطقه مهرانرود: مهرانرود دهستان کوچکی است از بخش بستان آباد (از نقطه نظر اداری) ولی از لحاظ تقسیم بندی منطقه ای قالیبافی مهرانرود دارای وسعت زیادی است و شامل تمامی شهرستان هشت رود و



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تمام بخش بستان آباد و دهستانهای اوجان، عباس و سهند آباد است. علت تراکم این چند قسمت در یکجا همانا شباهت نقشه و نوع دستمزد و حتی نزدیکی طرز فکر قالیبافان بهمدیگر است. غیر از خود دهستان مهران رود بقیه دهات از لحاظ بافت قالی ارزش چندانی نداشته و معمولاً بیافتن کناره آنها سالی چند قطعه اکتفا میکنند. اکثر قالیبافان این مناطق سرمایه کافی ندارند و بشراکت یعنی $\frac{1}{3}$ یا $\frac{2}{3}$ به نفع بافنده کار میکنند. بطور کلی در این منطقه غیر از چند ده بزرگ، منطقه فعال قالیبافی وجود ندارد و بخصوص اکثر دهات این منطقه در پای کوههای سهند واقع شده که نصف بیشتر سال را بعلمت موانع طبیعی باخارج قطع رابطه کرده و از طرفی بواسطه کم بودن دستمزد اهالی چندان رغبتی به قالیبافی نشان نمیدهند. در نتیجه این منطقه از لحاظ تولید قالی عقب مانده می باشد.

۵- منطقه الان براغوش: این قسمت تنها منطقه ایست که با تقسیمات کشوری مطابقت داشته و بین هریس و سراب و مهران رود واقع شده است. این منطقه یکی از حوزه های بسیار فعال فرش بافی میباشد. نقشه این منطقه (افشان) ویا اکثرآ لچک ترنج است و ۸۰ درصد قالیهای این ناحیه بخارج صادر میشود و در این منطقه مقیاس طول (پا) میباشد و کلا کارگاهها در خانهها برپا میشود و زنان خانهدار بیافتن قالی و قالیچه اشتغال دارند.